

تناسب آیات

علی قانعی

(دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآنی)

چکیده

یکی از مباحث ارزشمند علوم قرآنی، مسئله «تناسب آیات قرآن با یکدیگر» است. این تناسب و ارتباط هر واژگان قرآنی، در درون یک آیه یا آیات هر سوره نمایان است. با وجود اینکه آیات سوره‌های قرآن به ظاهر پراکنده و هر یک مشتمل بر موضوعاتی متفاوت است، اما با توجه به علم، حکمت و هدف‌داری خداوند، متن قرآن دارای همگرایی موضوعی و محتوایی در جهت هدف تربیتی و هدایتی است و عناصر محتوایی قرآن همانند اجزای یک ساختمان، به هم پیوسته و ناظر به یکدیگرند. با این طرز تلقی بوده که در میان دانشمندان اسلامی، کسانی کوشیده‌اند سوره‌ها را به صورت مجموعی و روی هم رفته بررسی و تحقیق کنند. اینان با نگاه تازه‌ای که از این دریچه مبارک به حقایق قرآنی دوخته‌اند، توانسته‌اند به نتایج گران‌بایی دست یابند.

این مقاله بر آن است که با اثبات تناسب آیات، در پی بردن به ژرفای معنایی آیات و نکات ظریف آن‌ها را یاری رساند و نیز پاسخگوی کسانی باشد که سبک قرآن را پراکنده می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: تناسب، وحدت موضوعی، توقیفی بودن آیات، شبوه بیانی قرآن، حسن مطلع، حسن ختام.

مقدمه

چشم جسم‌های لطیف مانند هوا را درک نمی‌کند؛ همچنان‌که در «وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»، صفت «خیریت» مناسب ادراک ابصار است.

اما «مناسبت لفظی» عبارت از آوردن کلمه‌های موزون و قافیه‌دار و یا موزون و بدون قافیه است. اگر مناسبت در وزن و قافیه باشد، «مناسبت تام» است و اگر مناسبت در وزن بدون قافیه باشد، «مناسبت ناقص» است. مناسبت ناقص در کلام فصیح بیشتر است؛ زیرا در آن، قافیه آوردن ضرورت ندارد؛ همانند قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿ق، وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ (ق: ۲۰-۱) و از جمله شاهد‌های مناسبت تام این قول خدای تعالی است: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾ (قلم: ۳۰-۱) (۴)

۳. تناسب در اصطلاح علوم قرآنی

«تناسب» در علوم قرآنی به معنای هم‌شکلی و هم‌بستگی میان آیات، و پیوند معنایی آیه‌ای با آیه دیگر است که گاه به صورت عام و خاص، گاه پیوند عقلی، حسی و خیالی یا نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مثل سبب و مسبب، علت و معلول و یا حتی دو مخالف و ضدی است که پیوستگی موضوعی را نشان می‌دهد. (۵)

برخی معتقدند: علم مناسبات قرآن دانشی است که به وسیله آن علل چگونگی ترتیب یافتن اجزای آن شناخته می‌شود و این دانش است که گویای اسرار بلاغی قرآن است؛ چون ثمره آن اثبات سازگاری معانی با مقتضای حال مخاطبان است. (۶)

در علوم قرآن، به ارتباط میان موضوعات یک آیه و پیوند دو یا چند آیه با هم و ارتباط سوره‌ها با یکدیگر

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم این است که به رغم نزول تدریجی در طول ۲۰ یا ۲۳ سال در باب موضوعات گوناگون، بین آیات هر سوره تناسب وجود دارد. توجه به این ویژگی قرآن کریم، در فهم و تفسیر صحیح این کتاب الهی نقش مهمی دارد و در پی بردن مفسر به ظرافت‌های معنایی و برخی اسرار آن کمک شایانی می‌کند. در تفاسیری همچون المیزان فی تفسیر القرآن، الاساس فی التفسیر و فی ظلال القرآن بسیاری از لطایف و نکات تفسیری در نگرش به قرآن از زاویه هماهنگی و همبستگی فراهم آمده است. بدین‌روی، در ذیل، وجود تناسب بین آیات بررسی می‌شود:

۱. مفهوم‌شناسی

۱. تناسب در لغت

«تناسب» و «مناسبت» در لغت، به معنای با هم نسبت داشتن؛ وجود نسبت و رابطه میان دو کس یا دو چیز؛ سازواری؛ موافقت و هماهنگی؛ (۱) نزدیک هم بودن؛ (۲) هم‌شکلی و همانندی؛ (۳) و پیوند داشتن چیزی با چیز دیگر است.

۲. تناسب در علم بلاغت

در علم بدیع، مناسبت بر دو قسم است: مناسبت در معانی، و مناسبت در الفاظ. «مناسبت معنوی» آن است که سخنور معنایی را آغاز کند، آن‌گاه سخنش را با عباراتی که با آن معنا مناسبت معنوی - نه لفظی - دارد، به پایان برساند؛ مثلاً در آیه شریف «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام: ۱۰۳) دیده نشدن با چشم، مناسب معنای «لطف» است، و این کلام در قالب تمثیل ظاهر شده؛ زیرا نزد مخاطب معلوم است که

«تناسب» گویند. (۷)

۲. تناسب درون گروهی آیات و عدم تناسب برون

گروهی آیات

این رویکرد تنها تناسب آیاتی را که در یک زمان نازل شده‌اند، می‌پذیرد. (۹) معتقدان به این دیدگاه، خود در گروهند:

الف. گروهی تناسب برون گروهی آیات را اصلاً قبول ندارند.

ب. گروهی تناسب برون گروهی بخشی از آیات را قبول دارند.

۳. عدم تناسب درون گروهی آیات

برخی از مستشرقان ادعا می‌کنند که آیات قرآن پراکنده‌اند و تناسب لازم را ندارند. (۱۰)

ادلهٔ تناسب آیات

یکی از بحث‌هایی که با تناسب آیات ارتباط اساسی دارد و از مبانی آن به شمار می‌آید، توقیفی بودن ترتیب آیات در سوره‌هاست. این موضوع یکی از مباحث مهم علوم قرآنی است. اگر توقیفی بودن ترتیب آیات ثابت گردد در حالت وجود دارد؛ یا بین آیات تناسب وجود دارد که مدعا همین است، یا تناسب وجود ندارد که در این صورت، لازم می‌آید آیات بدون هیچ تناسب و هماهنگی از جانب خداوند ترتیب یافته باشند که این کار قبیح است؛ چراکه آوردن عباراتی پشت سرهم بدون هیچ ارتباط، از سوی افراد بشری هم قابل قبول نیست، چه رسد از سوی خدای حکیم. ادلهٔ عقلی (۱۱) و دلایل و شواهدی از آیات (۱۲) و روایات، (۱۳) دلالت دارند که بدون شک، ترتیب آیات کاملاً توقیفی بوده و تاکنون نیز ثابت مانده‌اند و دست بشری ترتیب آنها را به هم نزده است. افزون بر آن، اصل بر توقیفی بودن نظم آیات در سوره‌هاست. (۱۴)

از آنچه دربارهٔ معنای لغوی و اصطلاحی تناسب گفته شد، روشن گردید که تناسب به معنای ارتباط و پیوند، هماهنگی و موافقت، و هم‌شکلی و همانندی در اجزای یک چیز است. در نتیجه، از دو جهت از تناسب آیات قرآن بحث می‌شود:

۱. از جهت شکلی و قلبی آیات (هم‌آهنگی و نظم در واژگان و جملات قرآن)؛

۲. از جهت محتوایی و مضمونی آیات (ارتباط محتوایی بین آیات و عدم اختلاف آنها).

این مقاله تنها وجود تناسب محتوایی بین آیات و عدم پراکندگی آنها را بررسی می‌کند. پیش از آوردن دلایل وجود تناسب در قرآن، به دیدگاه‌های مهم در مسئله اشاره می‌شود:

دیدگاه‌ها دربارهٔ تناسب آیات

همهٔ کسانی که دربارهٔ تناسب آیات، به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند یکسان سخن نگفته و ادعای واحدی ابراز نداشته‌اند؛ هر کدام به فراخور حال خود، به بیان یک یا چند قسم از اقسام تناسب اشاره کرده‌اند. می‌توان گفت: «به رویکرد کلی در مسئلهٔ تناسب آیات وجود دارد که عبارتند از:

۱. وجود تناسب در تمام آیات

این دیدگاه تصریح دارد که قرآن بر اساس لوح محفوظ ترتیب یافته و تمام آیات آن از نظر ترتیب توقیفی بوده و نظم و پیوند آیات، شگفت‌انگیز و معجزه است. برخی از مفسران مسلمان، به ویژه مفسران متأخر، این دیدگاه را پذیرفته‌اند. (۸)

دلایل متعددی بر وجود تناسب در میان آیات سوره‌ها دلالت دارد. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. دلیل عقلی

دلیل عقلی از مهم‌ترین دلایلی است که می‌توان تناسب آیات را بر آن استوار کرد. این دلیل را می‌توان با دو تقریر بیان کرد:

الف. می‌توان با تکیه بر هدف نزول قرآن و حکمت خداوند، دلیل اقامه کرد که هدف از نزول قرآن، هدایت بشر به سوی سعادت نهایی او با بهترین شیوه است، و ناهماهنگی و اختلاف و عدم تناسب در آیات با این هدف سازگار نیست. و چون نقض غرض با حکمت خداوند سازگاری ندارد، پس خداوند قرآن را به گونه‌ای کاملاً هماهنگ نازل کرده است. این بیان، دست‌کم، هماهنگی محتوایی کل آیات قرآن را به کرسی می‌نشانند. (۱۵)

ب. منشأ اختلاف و ناهماهنگی در سخن متکلم یا نوشتار نویسندگان، یا جهل است یا نسیان و یا هر دو. کسی که بر خلاف گذشته سخن می‌گوید یا برای آن است که در گذشته جاهل بوده و اکنون به اشتباهش پی برده، یا برای آن است که گذشته را فراموش کرده و اکنون از روی نسیان سخن می‌گوید. اما اگر متکلم (۱۶) به همه چیز آگاه باشد، به گونه‌ای که کوچک‌ترین ذره‌ای در آسمان و زمین از او مخفی نباشد، (۱۷) چگونه جای جهل برای او وجود دارد؟ چه اینکه اگر متکلمی از نسیان منزّه بوده و فراموشی در حریم او راه نداشته باشد (۱۸) و عین حضور و شهود باشد، در این صورت، چگونه ممکن است زمینه‌ای برای نسیان او وجود داشته باشد؟ چنان‌که بخل و امساک فیض و نظایر آن از امور علمی، نقص و ضعفند و ساحت قدس الهی از آنها منزّه است. بر این اساس، کتاب و کلامی که از سوی خدایی این‌گونه باشد، هیچ‌گاه جهل و نسیان و بخل

و عجز در آن نیست و از این رو، هیچ اختلافی در آیاتش وجود ندارد. (۱۹)

۲. شواهد قرآنی

قرآن کریم برای خود اوصافی برمی‌شمارد که بر هماهنگی آیات آن دلالت دارند؛ مانند: مثانی، متشابه، عزیز و حکیم. در ذیل، برخی از این موارد ذکر می‌شود:

الف. متشابه و مثانی: کلمه «متشابه» تنها در آیه ۲۳ سوره زمر، به عنوان صفت همه قرآن واقع شده است. خداوند سبحان درباره تشابه و هماهنگی آیات قرآن می‌فرماید: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًّا﴾؛ خدای سبحان بهترین سخن را نازل نموده که سراسر آن شبیه به هم و هماهنگ با یکدیگر است. (۲۰)

در این آیه، «متشابه» از «شبیبه» به معنای شبیه هم بودن است. وصف قرآن به «متشابه» به خاطر همانندی آیات قرآن است. این همانندی یا ظاهری است و یا معنوی. «همانندی ظاهری» به این لحاظ است که همه آیات آن در حد اعجاز و دارای بلاغت باشد. «همانندی معنوی» نیز بدین لحاظ است که تضاد و تخلفی در مفاهیم قرآن وجود ندارد، بلکه همه با یکدیگر متناسب و هماهنگ هستند و هدف واحدی دنبال می‌کنند. (۲۱)

«مثانی» یعنی دارای انشاء و انحناء؛ یعنی آیات الهی مثنی و مشابه یکدیگرند و گرایش و انعطاف عمیقی بین آنها وجود دارد. به چیزهایی که وجه مشترک داشته، همگون و همگرا باشند، «اثنان» گویند. (۲۲)

ب. عزیز: خداوند در برخی از آیات، قرآن را کتاب «عزیز» معرفی کرده است؛ همانند آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾ (فصلت: ۴۱) عزیز یعنی کسی که پیروز می‌شود و هرگز شکست نمی‌خورد؛ زیرا در آن هیچ‌گونه نقص و ضعفی وجود ندارد و اجزای

بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ﴿فصلت: ۴۲﴾ ﴿أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾ (زمر: ۲۳) ﴿أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ (یوسف: ۳) و ﴿بَصَائِرُ لِلنَّاسِ﴾ (جاثیه: ۲۰) هر یک به گونه‌ای بر ضرورت نظم درونی و ارتباط آیات اشاره دارند.

ه. عدم انتقاد مشرکان از تناسب نداشتن آیات قرآن: بنا به نقل قرآن، مشرکان از هیچ بهانه و کوششی برای کوبیدن قرآن و مخدوش کردن آن در نظر مردم دریغ نمی‌کردند. قصص حکمت‌آمیز آن را بافته‌های پیشینیان (اساطیر الاولین)،^(۲۵) جذبات لفظی و آهنگین قرآن را (شعر)،^(۲۶) و تأثیرگذاری آن را «سحر» می‌نامیدند^(۲۷) و پیامبر را «شاعر مجنون»،^(۲۸) خطاب می‌کردند. در چنان شرایطی که دشمنان اسلام از نقاط قوت قرآن به عنوان دستاویزی برای تضعیف اسلام و تحریک مردم بر ضد پیامبر استفاده می‌کردند، بی‌شک، اگر آیات قرآن پراکنده و مفاهیم آن مبهم و گنگ بود و از مجموع یک سوره هیچ نتیجه و مقصود جامعی به دست نمی‌آمد، کفار زخم‌خورده لحظه‌ای به پیامبر امان نمی‌دادند و سیل انتقادات و تمسخرها را متوجه قرآن و پیامبر می‌کردند. بنابراین، با توجه به اینکه قرآن چنین خدشه و انتقادی را از کفار نقل نکرده است، می‌توان استنباط کرد که نظم آیات موجود در سوره‌ها چنان بدهی و ملموس و قابل قبول بوده که جایی برای بهانه‌جویی کفار باقی نگذاشته است، بلکه آنان چون با آیات روشن و منظم و هدفدار قرآن مواجه می‌شدند راه فرار را به روی خود مسدود می‌دیدند، موضوع کلام را تفسیر داده، ایرادهای بنی اسرائیلی می‌گرفتند و می‌گفتند: ﴿وَإِذَا تَسْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوَابَاتِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (جاثیه: ۲۵) هنگامی که آیات روشن و گویای قرآن بر آنها تلاوت می‌شود هیچ دلیلی برای مخالفت ندارند، جز آنکه بگویند پدران ما را زنده کنید اگر راست می‌گویید.^(۲۹)

آن کاملاً به هم گره خورده و محکم است.^(۳۳) بنابراین، «کتاب عزیز» یعنی کتابی که به لحاظ قوت و استحکام درونی‌اش، کسی نمی‌تواند بر آن غلبه کند یا همانند آن را بیاورد. یکی از جلوه‌های عزت قرآن استحکام درونی آن و وجود نظم و پیوستگی بین آیات بر اساس غرض واحد است. ج. نفی اعوجاج از قرآن: در آیه شریفه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ غَيْثَهُ الْكِتَابِ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ (کهف: ۱۰) خداوند هرگونه اعوجاج و کجی را از قرآن نفی کرده است. «عوج» به فتح عین در کجی چیزهای محسوس همانند نیزه و چوب استعمال می‌شود، و با کسره عین (عوج) در انحراف امور نادیدنی مثل اعتقادات و سخن گفتن به کار می‌رود.^(۳۴)

با توجه به اینکه «عوج» در آیه نکره بوده و در سیاق نفی است، افاده عمومیت می‌کند. پس قرآن کریم در تمامی جهات، بدون اعوجاج است: لفظش فصیح و معنایش بلیغ است؛ مضامین آن با یکدیگر اختلافی ندارند و هیچ باطلی را در آن راه نیست؛ و در شیوه بیان از نقص و پراکنگی در گفتار و گسیختگی در بیان به دور است. د. حکیم: خداوند سبحان با عبارات گوناگون، قرآن را «حکیم» نامیده است؛ همانند: ﴿الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ (یونس: ۱)؛ ﴿وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران: ۵۸) یکی از دلایل نامیدن قرآن به «حکیم»، محکم بودن و غیر قابل رخنه بودن آن است. قرآن حکیم است؛ یعنی آیات آن به واسطه نظم شگفت‌آور و معانی تازه، استوار است، به گونه‌ای که تبدیل و تحریف و اختلاف در آن راه ندارد. بنابراین، حکیمانه بودن آیات قرآن اقتضا می‌کند که ارتباط تنگاتنگ و غیر قابل خدشه‌ای در بین آنها باشد و از گسیختگی و پراکنگی در امان باشد.

بسیاری از صفات دیگر قرآن مانند: ﴿كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (نمل: ۱)؛ ﴿نُورًا مُبِينًا﴾ (نساء: ۱۷۴)؛ ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ

۳. وحدت هدف (موضوعی) در سور

به رغم عدم نزول یکباره آیات برخی سوره، آیات هر سوره قرآن هدف یا هدف‌های خاصی را دنبال می‌کند که جامع میان آیات هر سوره است و امروزه به نام «وحدت موضوعی سوره» خوانده می‌شود. «وحدت موضوعی» بدین معناست که هر سوره یک یا چند محور موضوعی محدود و کلی دارد که تمام آیات سوره به گونه‌ای منشوروار در جهت آن موضوع یا موضوعات در حرکتند.^(۳۰)

وحدت هدف سوره بر تناسب معنای آیات آنها دلالت دارد؛ زیرا اگر بین آیات، تناسب محتوایی وجود نداشته باشد و هر یک از آیات به مفاهیمی بپردازد که با آیات همجوار بیگانه باشد یا آنها را نقض کند، در این صورت، وحدت هدف (موضوعی) سوره‌ها رنگ می‌بازد. بدین روی، این مهم در صورتی محقق می‌شود که بین آیات سوره‌ها، تناسب وجود داشته باشد.

وحدت معنایی سوره از دیرباز، مورد توجه دانشمندان قرآنی بوده و آثار ارزشمندی در این باره ارائه کرده‌اند. محمد عبده در تفسیر خود، بحث وحدت موضوعی در سوره قرآن را مطرح کرده، تأکید می‌کند که فهم هدف هر سوره کمک شایانی است برای مفسر تا به طور دقیق، به مقاصد سوره دست یابد و به معانی آیه‌های هر سوره نزدیک شود. شاگرد وی، رشید رضا، در تفسیر المنار، نظر استاد خود را به خوبی توضیح داده است.^(۳۱)

علامه طباطبائی نیز بر این نکته اصرار دارد که هر سوره صرفاً مجموعه‌ای از آیات پراکنده و بدون جامعی واحد نیست، بلکه یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را نشان می‌دهد. به همین دلیل، خداوند هر دسته‌ای از آیات را جدا از دسته دیگر قرار داده و نام سوره بر آن نهاده است. شاهد بر آن اینکه یک

گونه تناسب و پیوستگی در هر مجموعه وجود دارد که در قسمتی از یک مجموعه و یا میان هر سوره و سوره دیگر، آن پیوستگی خاص وجود ندارد. از این رو، درمی‌یابیم که اهداف و مقاصد موردنظر در هر سوره با سوره‌های دیگر تفاوت دارد. هر سوره برای بیان هدف و مقصد خاصی عرضه شده است که سوره جز با پایان یافتن آن هدف و رسیدن به آن مقصد، پایان نمی‌یابد.^(۳۲)

در این میان، بیشترین تلاش‌ها از سوی سید قطب، صورت گرفته و مبنای وحدت موضوعی سوره در منهج تفسیری وی گسترده و نمایان است. بررسی اجمالی تفسیر فی ظلال القرآن وی، گویای این حقیقت روشن است.

استاد شحاته می‌گوید: استاد سید قطب در این زمینه، سعی فراوان مبذول داشته و نظری نافذ در این باره داشته و احاطه کامل خود را در فهم اهداف سوره‌ها نشان داده است.^(۳۳)

دانشمندان بر وحدت موضوعی سوره، دلایلی ارائه کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

الف. تفاوت آیات سوره‌ها در عدد: تفاوت در عدد آیات سوره‌ها نمی‌تواند اتفاقی باشد؛ زیرا اتفاقی بودن یعنی نسنجیده و عاری بودن از حکمت و بدون سبب. و صدور هرگونه عمل حساب نشده از سوی فاعل حکیم ممنوع است. بعضی از سوره‌های قرآن، به ویژه سوره‌های کوتاه، به طور کامل نازل شده است. سوره‌هایی هم که به طور پراکنده نازل گشته است، با نزول «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می‌گردید و هر آیه یا آیتی که پس از آن نازل می‌گشت با دستور پیامبر اکرم ﷺ به دنبال آیات پیشین ثبت می‌گردید تا بسمله دیگری نازل گردد که پایان سوره قبل و آغاز سوره بعد را اعلام نماید. از این رو، مقدار عدد آیات و ترتیب آنها به دستور وحی و پیامبر

انجام گرفته است.

اکنون این سؤال مطرح است که این اختلاف عدد در آیات سوره‌ها برای چیست؟ پاسخ آن است که هر سوره هدفی دنبال می‌کند که با پایان یافتن بیان هدف، سوره پایان می‌یابد و اختلاف در عدد آیات هر سوره معلول همین علت است. این اختلاف هرگز به صورت اتفاقی انجام نگرفته و میان آیات هر سوره رابطه‌ای معنوی و تناسب وجود دارد.

ب. حسن مطلع و حسن ختام: علمای بلاغت از دیرزمان، حسن مطلع و حسن ختام در هر سوره را از جمله محسنات بدیعی قرآن و از ارکان مهم بلاغت دانسته‌اند. بدین‌روی، هر سوره با مقدمه‌ای آغاز می‌گردد و با خاتمه‌ای لطیف پایان می‌یابد. گویند: ضرورت بلاغت اقتضا می‌کند که سخنور سخن خود را با ظرافت تمام، به گونه‌ای آغاز کند که هم در شنونده آمادگی ایجاد کند و هم اشارتی باشد به آنچه مقصود اصلی کلام است. این نحوه شروع در سخن، «براعت استهلال» خوانده می‌شود.

علمای بلاغت^(۳۴) اتفاق نظر دارند که قرآن کریم در تمامی سوره‌ها و آیاتش به بهترین وجه، از چنین نظم و نسقی برخوردار بوده و خاتمه سوره‌ها همچون افتتاح آنها، در نهایت لطافت و ظرافت انجام یافته است. بنابراین، باید مقاصد و اهداف بزرگی وجود داشته باشد که این دو حسن و زیبایی را به هم پیوند داده و بدان کمال اتصال بخشیده و همراه آن دو نظمی شگفت‌انگیز بین تمام اعضا و کلمات و حروف هر سوره استوار است.

حال با این بیان، آیا ممکن است کلامی با مقدمه شیوا و خاتمه‌ای زیبا، مقصودی بس والا نداشته باشد؟ امام صادق علیه السلام در روایتی، گمراهی برخی افراد در تفسیر قرآن را عدم توجه به براعت مطلع و خاتمه سوره می‌دانند و می‌فرمایند: «ولم ينظروا إلى ما يفتح الكلام و إلى ما

يختمه»؛^(۳۵) و بدانچه کلام با آن آغاز می‌شود و بدانچه خاتمه می‌پذیرد، نمی‌نگرند.

این همان نکته‌ای است که متأخران بدان پی برده‌اند. علامه طباطبائی بر این نکته اصرار دارند که هر سوره صرفاً مجموعه‌ای از آیات پراکنده و بدون جامعی واحد نیست، بلکه یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند. مسئله وحدت موضوعی یا وحدت سیاق در هر سوره - که از قراین کلامی به شمار می‌رود - از همین جا نشأت گرفته است.^(۳۶)

در اینجا، بجاست وحدت موضوعی را در بزرگ‌ترین سوره قرآن به نظاره بنشینیم.

وحدت هدف (موضوعی) در سوره بقره: سوره بقره اولین سوره نازل شده در مدینه است که طی چندین سال، تکمیل شده و در خلال ظرف نزول آن، آیات و سوره‌های دیگری نیز نازل گشته است. این سوره با وجود طولانی بودنش، از نظم و ترتیبی خاص برخوردار است که در بدو امر، از یک مقدمه کلی، که مطالب و مسائل آن را ایجاب می‌نمود، آغاز شده و سپس دعوت همگانی از همه مکلفان عالم و سرانجام، احکامی را در زمینه‌های گوناگون، تشریح نموده، به گونه‌ای که مقدمه آن شامل ۲۰ آیه اول و دعوت در حدود ۱۲۴ آیه و تشریح، که خاتمه سوره است، از ۱۴۲ آیه تشکیل شده است.

اما مقدمه، (که شامل ۲۰ آیه است) درباره بیان طوایف مردم و موضع‌گیری آنان در برابر دعوت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است که برخی در برابر ندای حق طلبانه قرآن کریم، کاملاً خاضعند و برخی دیگر راه عناد در پیش گرفته، آیات الهی را انکار می‌نمایند و برخی نیز راه نفاق را در پیش گرفته‌اند. در اینجا است که خداوند دعوت خود را (که در حدود ۱۲۴ آیه است) با متوجه ساختن ندا و خطاب خویش، به تمام مردم، از جن و انس اعلام می‌دارد: «وَيَا

أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۲۱) و آن را با دلایل و براهین روشن تأکید می‌کند و برای این مطلب، از سوابق زندگی انسان‌های پیشین، از بدو آفرینش تا عصر نزول و از تصرفات ستمگرانۀ انسان‌ها در طول تاریخ حیات انسانی، یاد کرده، به ویژه از زندگی آمیخته به خواری و عصبانگرانۀ بنی‌اسرائیل، تصاویری گویا ترسیم نموده؛ زیرا بنی‌اسرائیل تنها ملتی است که اعراب، کیان و نسب و تاریخ‌نگینش را به خوبی می‌شناسند.

در ادامه، به مرحله تشریح می‌رسد (که از ۱۴۲ آیه تشکیل می‌یابد) و با سخن و توصیفی از کعبه و تشرّف و مقام و حرمت آن آغاز نموده و مسئله نسخ و انشاء را در زمینه شرایع مطرح می‌نماید. سپس از مسئله تغییر قبله شروع کرده، مطالب را درباره مناسک حج و تشریح جهاد، روزه، زکات، اعتکاف و تا حرمت ربا، و تجارت دنبال نموده و با این مطالب، سوره را به اتمام می‌رساند.

این شکل و خطوط کلی سوره بقره است که در لابه‌لای آن و گاهی به مناسبت، مطالب دیگری را نیز یادآور می‌شود. هدف واحدی که می‌توان از مباحث این سوره انتزاع کرد این است که مقتضای بندگی خدای سبحان، ایمان به همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی است و بر این اساس، کافران و منافقان را به خاطر نداشتن ایمان، مذمت می‌کند و اهل کتاب را به سبب بدعت‌هایشان از جمله تفرقه در دین خدا و فرقه گذاشتن بین پیامبران، ملامت می‌نماید و احکامی را که ایمان به آنها مقتضای اسلام است، بیان می‌دارد.^(۳۷)

۴. وقوع تناسب در آیات قرآن

حکما گفته‌اند: «أدُلّ دليل على إمكان شيء وقوعه؛» بهترین دلیل بر امکان چیزی، واقع شدن آن است. ما به

عیان می‌بینیم که میان آیات، پیوستگی‌هایی هست و دانشمندان علم مناسبت این پیوستگی‌ها را نشان داده‌اند و به امور و نکاتی اشاره کرده‌اند که بسیار جالب و شنیدنی است. با اینکه آیات جمله‌ای به ظاهر، با هم تناسب ندارد مناسبت‌هایی را بیان کرده و آن را مدلل ساخته‌اند که اگر جمله‌اندکی جابه‌جا شود و یا آیه‌ای به جای آیه دیگر قرار گیرد، دیگر آن مناسبت‌ها نخواهد بود و نظم دقیق و هماهنگ برقرار نخواهد شد.

در تفاسیری همانند نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، تفسیر الحدیث، الاساس فی التفسیر، فی ظلال القرآن، الوحدۃ الموضوعیة فی القرآن الکریم، و تفسیر کاشف، روابط آیات در سوره‌ها ترسیم شده‌اند.

سوره‌های زیادی را می‌توان مثال زد که تناسب آیات در آنها به خوبی نمایان است. مفسران زیادی درباره نظم و تناسب بی‌همتای سوره بحث کرده و آن را مثال زده‌اند: لفظ تناسب در سوره حمد، برخی از مفسران تناسب سوره حمد را این‌گونه بیان کرده‌اند:

انسان با مشاهده نعمت‌های الهی، که نقص و نیاز آدمی خود شاهد گویایی بر آن است، با نام منعم، سخن را گشوده، می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.»

پس از اعتراف به منعم یگانه، به شکر و حمد او می‌پردازد و می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و چون همگانی بودن انعام الهی را درمی‌یابد، می‌گوید: «رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

و چون دریافت که خدای سبحان علاوه بر پرورش همه موجودات، روزی آنها هم بر عهده دارد، به رحمت مطلق حق اعتراف کرده، می‌گوید: «الرَّحْمَنُ»، و هنگامی که کوتاهی آنها در شکر نعمت‌ها و امهال و غفران الهی را مشاهده نمود، به ذکر رحمت مخصوص او لب می‌گشاید:

«الرَّحِيمِ»

و هنگامی که تجاوز انسان‌ها به حریم یکدیگر را

آن آماده ساختن رسول اکرم ﷺ برای انجام رسالت پیامبری است. از این رو، ایشان را به عبادت خدا و صبر در برابر مشرکان دعوت کرده است. بیستمین آیه این سوره وظایف اصحاب پیامبر را برمی شمرد و آنان را به انجام واجبات و مستحبات دعوت می کند. بدین سان، مجموع آیات این سوره غرض مشخصی را طی می کند و آن بیان وظایف و ویژگی های ضروری مصلحان اجتماعی است، با این تفاوت که فصل اول آن در مکه و درباره وظایف رهبر اصلاحات، و فصل دوم در مدینه نازل شده و درباره وظایف کسانی است که به تبعیت از یک رهبر دینی، در صدد اصلاح جامعه برمی آیند.

پاسخ به چند شبهه

۱. نزول تدریجی آیات قرآن

ایراد عمومی مخالفان تناسب آیات قرآن، نزول تدریجی آیات در شرایط و موقعیت های گوناگون است. در این اشکال، با اشاره به نزول تدریجی قرآن و با توجه به اسباب نزول آیات، نتیجه می گیرند که اصولاً آیات قرآن بر اساس عدم ارتباط نازل شده اند و اگر قرار بود بین آنها ارتباطی وجود داشته باشد، بدون شک قرآن به روش دیگری نازل می شد. (۳۹)

نقد: مبنای اصلی این شبهه به اجتهادی بودن نظم آیات قرآن باز می گردد. روشن است اگر کسی به بشری بودن تألیف قرآن باور داشته باشد به سختی می تواند به وجود ارتباط و هماهنگی معجزه آسا بین آیات سراسر قرآن ایمان بیاورد؛ اما - همان گونه که پیش از این گفته شد - ترتیب آیات به استناد دلایل نقلی و عقلی و شواهد تاریخی، توقیفی است و جای هیچ گونه شک و شبهه ای در آن وجود ندارد. بنابراین، با وجود دلایل ترتیب توقیفی، این شبهه از بین می رود؛ همان گونه که شیخ

مشاهده نمود و اینکه بعضی از شر بعضی دیگر در امان نیستند، به روز حساب، که زمام آن تنها به دست خداست اعتراف می کند: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

پس از شناخت این مراتب و مراحل و مشاهده اسماء حسناى الهی، تنها او را شایسته عبادت یافته، خود را در محضر او می یابد و آن گاه از خبر به خطاب گراییده، می گوید: ﴿إِنَّا كَ تَعْبُدُ﴾ و چون پیمودن راه عبادت را بدون او ناممکن می یابد، اظهار می دارد: ﴿وَ إِنَّا كَ نَسْتَعِينُ﴾

و چون می بیند که در این راه، امکان لغزش وجود دارد و او هم معصوم نیست، بنابراین، از خداوند توفیق و ثبات در این راه و عصمت از لغزش ها خواسته، می گوید: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

و سرانجام، چون پیمودن صراط مستقیم را به تنهایی دشوار می یابد و نیاز به همسفرانی را در این راه احساس می کند، می گوید: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ و برای آنکه در این راه، بیگانه با او زفائق نکند، می گوید: ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ و این گونه بین تولى اولیای الهی و تبری از دشمنان او جمع می کند. (۳۸)

ب. تناسب در سوره مزمل: سوره «مزمل» به شهادت سیاق آیات و گواهی شواهد تاریخی، از سوره مکی قرآن است که بنا به نقلی، پس از سوره «قلم» نازل شده و نوزده آیه اول آن مکی است، اما آیه بیستم آن مدنی است؛ زیرا در آن از جهاد و زکات سخن به میان آمده است و چنانکه معلوم است، احکام جهاد و زکات در مدینه تشریح شده. با آنکه بین نزول آخرین آیه سوره و سایر آیات، قریب ۱۵ سال فاصله است، اما از جهت تناسب معنایی، بین همه آیات آن هماهنگی وجود دارد.

سوره «مزمل» با خطاب به پیامبر آغاز می شود و هدف

و اسدروز و عتاب و خطاب، به سوی خود کشانده است. (۴۱)

در نظر مخالفان، این پراکندگی نه تنها عیب نیست، بلکه کمال و بقای قرآن است. دانشمندانی همچون ابوالعلاء محمدبن غانم، (۴۲) شوکانی، (۴۳) فرید جدی (۴۴) و آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی (۴۵) معتقدند: هر دسته از آیات قرآن مربوط به موضعی است و ارتباطی با هم ندارند حتی ابوالعلاء به صراحت، اعلام نموده که همه قرآن به روش «اقتضاب» وارد شده است.

نقد: قرآن کریم برای بیان حقایق و مفاهیم خود، روش خاصی را در پیش گرفته است. این روش، که آن را روش مزجی می‌نامند، به اعتقاد برخی، یکی از اسباب حفظ و بقای قرآن از دخل و تصرف‌های بشری است و در بسیاری از مواقع، با جمله‌های معترضه به بیان مطلوب پرداخته و از برجسته شدن برخی مطالب حساسیت‌زا جلوگیری کرده است.

سخن روان و طبیعی هرگاه برای القای هرچه بهتر در قالب‌های متنوع ارائه گردد، دلپذیرتر خواهد شد. «تنوع» یعنی اینکه خطیب به سخن خود با التفات‌های گوناگون، جلوه‌های متفاوتی ببخشد و با این روش، به حدّ مطلوبی از اقناع موردنظر خود دست یابد.

این امر روشن است که کسی منکر تنوع مطالب و کثرت آنها در قرآن کریم نبوده است. در منابع روایی، حدیثی از طریق سعید و عکرمه از ابن عباس به این مضمون نقل شده است: سالم بن مشکم با عده‌ای از یهودیان نزد رسول اکرم ﷺ آمدند و گفتند: ما چگونه از تو پیروی کنیم، در حالی که رو به قبله ما نماز می‌خواندی و اکنون آن را تغییر داده‌ای و کتابی هم که آورده‌ای به روش تورات - یعنی باب بندی شده - و به یک نظم خاص و مبّوب در موضوعی خاص و واحد نیست؟ کتاب تو غیر

ولی‌الدین ملوی به این شبهه چنین پاسخ داده است: این سخن که گفته می‌شود نباید برای آیات به دنبال مناسبت گشت به دلیل اینکه برحسب وقایع، پراکنده است، توهمی بیش نیست. جان کلام این است که قرآن از لحاظ نزول، برحسب وقایع و رویدادهاست، اما از لحاظ ترتیب و اصل، مطابق حکمت بوده، بر وفق لوح محفوظ ترتیب یافته و تمام آیات و سوره‌هایش توفیقی است؛ چنان‌که یکباره به بیت‌المزّه نازل شده. (۴۰)

۲. شیوه بیانی قرآن

از دیگر ادله مخالفان، شیوه بیانی قرآن و ویژگی عربی بودن آن است. می‌گویند: قرآن عربی است و روش اعراب را پیموده است. یکی از روش‌های اعراب در ایراد سخن، قرار دادن مطالب متنوع و متباین در کنار یکدیگر بی هیچ مقدمه و زمینه‌سازی بوده است که بدان «اقتضاب» گویند. از نظر این گروه، قرآن مشتمل بر چند سوره است و هر سوره نیز دارای آیات متعددی است. هر آیه غرض و هدف مخصوص خود را دارد؛ آیه‌ای در موعظه، آیه‌ای در انداز، آیه‌ای در قصص، آیه‌ای در احکام و آیه‌ای در وصف بهشت و جهنم است که هیچ‌گونه ارتباطی با هم بین آیات وجود ندارد، چه رسد به اینکه غرض جامعی وجود داشته باشد. از این رو، هر تلاشی در این زمینه، مخالفت با سبک و شیوه خاص قرآن و ناگزیر محکوم به شکست است و جز به زحمت انداختن خود و دیگران، حاصلی ندارد.

بعضی از مخالفان پیوستگی آیات معتقدند: یکی از ویژگی‌های قرآن، پیوستگی‌های مرئی و نامرئی است که قرآن جسته جسته است و همین هم از دلایل هنرمندی قرآن است که در عین پراکندگی موضوعات، جذابیت خود را حفظ کرده و مخاطب را با دستورات دلنشین و پند

این روش یکی از محسنات اسلوب قرآن است که در عین پراکنده‌گویی و بیان مطالب مختلف، باز از کمال ارتباط و تناسب برخوردار بوده و جملات آن به مانند درهای گران‌بهایی که با تناسب خاصی به رشته درآمده است، در کنار هم چیده شده و با نظم اعجاب‌انگیزی به هم متصل و مرتبط می‌باشد. (۴۸)

با این طرز تلقی بوده که در میان دانشمندان اسلامی، کسانی کوشیده‌اند سوره‌ها را به صورت مجموعی و روی هم رفته، بررسی و تحقیق کنند. اینان با نگاه تازه‌ای که از این دریچه مبارک به حقایق قرآنی دوخته‌اند، توانسته‌اند به نتیجه‌ها و آثار گران‌باری دست یابند. (۴۹)

چند نکته

۱. تنوع موضوعات مانع وجود ارتباط میان آنها نیست؛ مثلاً، خداوند در ابتدای سوره «بقره» درباره متقین، کفار و منافقان سخن گفته؛ اما این سه دسته گرچه دارای خصوصیات متفاوتی هستند، ولی در یک نکته مشترکند: بر همه آنها دین خدا عرضه شده، ولی هر یک به گونه‌ای با آن برخورد کرده‌اند. همین مقدار اشتراک برای قرار گرفتن آیات مربوط به این سه دسته در کنار یکدیگر کافی است.

۲. عرب نیز اگر در میان سخنرانی خود بدون هیچ‌گونه زمینه‌ای، ناگهان مطلبی غیرمرتبط با مطلب قبلی و بعدی بیان نماید، مورد پذیرش اهل بلاغت نیست و باید حداقل ارتباطی در حد تداعی معانی وجود داشته باشد تا بتوان جمله یا عبارتی را ناگهان در میان بحثی غیرمرتبط با آن ذکر نمود. در غیر این صورت، ردیف کردن سخنان نامربوط از یک انسان معمولی قبیح است، چه برسد به خداوند حکیم و خبیر که در بیان مطالب، بزرترین روش‌های بلاغت را می‌پیماید. (۵۰)

اینکه نزول دفعی، یکپارچه و یکجا نداشته، شامل موضوعات متعددی مانند اخلاق، تاریخ، قصص و عقاید می‌شود که با روش کتاب آسمانی ما تفاوت فراوان دارد. اکنون اگر می‌خواهی به دین تو ایمان بیاوریم، باید کتابی بیاوری که ما آن را بپسندیم. (۴۶)

چنین ویژگی‌هایی در متن قرآن، این توهم را به ذهن برخی افراد آورده که قرآن در بیان خود، دچار پراکنده‌گویی شده است. روشن است که چنین پنداری با واقعیت امر ناسازگار است؛ زیرا هر یک از سوره‌های به ظاهر متفاوت، در درون خود، محوری مخصوص شکل داده‌اند که تمام موضوعات طرح شده در خصوص محور اساسی بحث، معنای ویژه افاده می‌کنند.

آیه‌الله خوئی در کتاب *البیان فی تفسیر القرآن* به تحلیل چرایی عدم دسته‌بندی موضوعی در قرآن پرداخته، می‌نویسد:

قرآن کتاب هدایت است و برای سوق دادن بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت نازل گردیده و یک کتاب فقهی، تاریخی و اخلاقی و مانند آن نیست تا برای هر موضوعی باب مستقلی ترتیب بدهد. جای تردید نیست که اسلوب فعلی قرآن بهتر می‌تواند هدف هدایتی آن را تأمین نماید. (۴۷)

ایشان در ادامه، شیوه کنونی قرآن را در دست‌یابی به هدف هدایتی بر مخاطب، نتیجه بخش‌تر دانسته، می‌نویسد:

اگر قرآن به صورت ابواب منظم بود این همه فایده به دست نمی‌آمد. خواننده قرآن در صورتی می‌توانست با اهداف و مقاصد عالی آن آشنا گردد که تمام قرآن را بخواند. ممکن بود که در این بین، مانعی پیش آید و به خواندن تمام قرآن موفق نگردد و به نتیجه کمتری دست یابد.

۳. آنچه روش بلاغت است و در کلام عرب نیز بدان توجه و اهر شده، «حسن تخلص» است، نه «اقتضاب»، و آن چنین است که از آنچه سخن را با آن آغاز کرده، به زیرکی به سخن دیگری منتقل شود، به نحوی که شنونده انتقال را احساس نکند، مگر پس از آنکه معنای دوم بر او واقع شود، به خاطر وابستگی شدیدی که بین آن دو معنا قرار گرفته است. (۵۱)

بررسی برخی از آیات ادعایی مخالفان مبنی بر عدم تناسب

۱. شبهه عدم تناسب در آیه‌های ۲ و ۳ سوره نساء
آیات ۲ و ۳ سوره نساء: ﴿وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْاٰخِيَّتَ بِالطَّيْبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ (۵۲)

یکی از شبهات مدعیان تحریف قرآن، عدم تناسب و هماهنگی میان صدر و ذیل برخی آیات است. آنان می‌گویند: این عدم تناسب نشان حذف و اسقاط آیه یا آیاتی از آن میان است. یکی از آنها «آیه قسط»، آیه ۳ سوره نساء است: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾، اگر در اجرای عدالت میان یتیمان بی‌مناکید، هرچه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو، سه، چهار، چهار، زن بگیرید. پس اگر ترسیدید که به عدالت رفتار نکنید به یک زن بسنده نمایید.
انان می‌گویند: میان شرط و جزای آیه مزبور هیچ ارتباطی نیست. شرط این است: اگر نتوانستید قسط و

عدالت را درباره یتیمان رعایت کنید. جزا این است: دو یا سه یا چهار زن بگیرید. پنداست که میان عدم رعایت عدالت درباره یتام (شرط) و جواز تعدد همسران (جزا) مناسبتی وجود ندارد. این امر نشانه آن است که بخشی از کلام در این میان حذف شده است. آن‌گاه به روایتی به عنوان تأیید تمسک می‌کنند که از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام درباره تناسب صدر و ذیل آیه سؤال شد، آن حضرت جواب دادند: «بین القول فی الیتامی و بین نکاح النساء من الخطاب و القصاص اکثر من ثلث القرآن» (۵۳) بیش از یک سوم قرآن در این میان حذف شده است.

اگر این روایت صحیح باشد، مفاد آن این است که میان صدر و ذیل این آیه، بیش از دو هزار آیه، حذف شده و این مطلب شگفت‌آوری است!

پاسخ شبهه: اگر بیش از ثلث قرآن - یعنی بیش از دو هزار آیه - در این میان حذف شده باشد آیا جای این سؤال نیست که مسلمانان کجا بودند؟ آیا کسی نبود اعتراض کند؟! مگر همین مسلمانان نبودند که وقتی بیگانه‌های اعتقادی و ایمانی خواستند یک «واو» را از آیه قرآن حذف کنند، لب به اعتراض گشودند و گفتند: شمشیر می‌کشیم و نخواهیم گذاشت در قرآن تغییری داده شود. خود این مطلب بهترین گواه است بر اینکه روایت مزبور از امام معصوم علیه السلام صادر نشده است. (۵۴)

در تبیین مناسبت میان صدر و ذیل آیه (شرط و جزا)، مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان وجوهی را ذکر کرده است. (۵۵) شاید روشن‌ترین وجه را علامه طباطبائی در المیزان بیان کرده است. (۵۶) ایشان فرموده‌اند: سیاق آیات سوره «نساء»، تأکید بر احترام گذاشتن به مال یتام است. در صدر آیه قبل فرمود: ﴿وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْاٰخِيَّتَ بِالطَّيْبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾ (نساء: ۲)؛ مال یتیمان را به آنها بدهید و

مال خبیث خود را با مال حلال طیبه آنها مخلوط نکنید و اموال آنها را همراه خود نخورید که این گناه بزرگی است. آن‌گاه پس از چند آیه فرمود: «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»؛ اموال یتام را به عنوان بهترین امین حفظ کنید و وقتی آنان از نظر سن بالغ شدند آزمایششان کنید تا روشن شود آیا گذشته از بلوغ سنی، به مرحله رشد اقتصادی رسیده‌اند یا نه؟ یعنی می‌توانند خود از مالشان محافظت کنند یا نه؟ و وقتی دیدید که به رشد رسیده‌اند، اموالشان را به آنان تحویل دهید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ بِغَدَارٍ وَأَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ»؛ یعنی: اگر وصی یتام شدید، باید اموالشان را حفظ کنید. اگر وضع مالی شما مساعد است، چیزی از مال یتیم برندارید، و اگر فقیرید به اندازه معروف و عدالت و احسان از حق الوصایه استفاده کنید، نه بیشتر، تا اموال یتیمان محفوظ بماند.

آن‌گاه از خطر ناک بودن خوردن مال یتیم پرده برداشت و چنین فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء: ۱۰) آنان که مال یتیم را به ستم می‌خورند، در شکمشان آتش می‌خورند؛ نه اینکه بعدها در جهنم آتش می‌خورند، بلکه الان این مال حرام آتش می‌شود، هر چند شخص ستمکار خودش متوجه آن نباشد.

سپس فرمود: همه انسان‌ها می‌میرند. اگر می‌خواهید با فرزندان شما پس از مرگتان خوش رفتار کنید، با یتام دیگران چنین کنید: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۹)؛ و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود برجای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید بترسند؛ پس باید از خداوند پروا دارند و سخنی درست بگویند.

سپس به آیه مورد بحث می‌رسد. نخست باید دانست که این آیه در مدینه نازل شده است و در آنجا، پس از تشکیل حکومت اسلامی، جنگ‌هایی با مشرکان پیش آمد که مردها با شرکت در جنگ‌ها شهید می‌شدند و زنان و فرزندانشان می‌ماندند. در این میان، عده‌ای برای خوردن اموال یتیمان، با آن زنان بیوه ازدواج می‌کردند تا از این طریق، اموال یتیمان را بخورند. پس از خوردن مال یتام، مادرانشان را طلاق می‌دادند. این سنت زشت جاهلی بود که با نزول آیه مورد بحث، خاتمه یافت. بر این اساس، فرمود: «وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»؛ اگر در خود امانت‌داری نمی‌بینید که اگر با بیوه‌ها ازدواج کنید به خوردن مال یتیم آلوده خواهید شد، با چنین زنانی ازدواج نکنید و زنهایی دیگر بگیرید، حالا دو یا سه یا چهار زن، و اگر می‌ترسید که با ازدواج با بیش از یک زن قادر به انجام عدالت نباشید، تنها به ازدواج با یک زن اکتفا کنید.

بنابراین، با توجه به شیوه برخورد مردم با یتام و مادرانشان در دوران جاهلیت، مناسبت میان صدر و ذیل آیه (شرط و جزا) روشن می‌شود و دیگر نباید توهم شود که بیش از دوهزار آیه از میان صدر و ذیل این آیه حذف شده‌است. (۵۷)

۲. شبهه عدم تناسب در آیات ۲ و ۳ سوره اسراء

آیات ۲ و ۳ سوره اسراء: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى... وَ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ...» (۵۸)

خداوند ابتدا از معراج پیامبر و سیر از مکه به مسجدالاقصی منقلب را شروع کرده است. آن‌گاه بلافاصله می‌فرماید: ما به موسی کتاب آسمانی دادیم و آن

وجود دارد. این مطلب از مقایسه میان «أَسْرَى بِعَبْدِهِ» و «وَآتَيْنَا مُوسَى» و نیز «هُدَى لِّيَتَّبِعَ إِسْرَائِيلَ» و «يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» روشن می‌شود. (۶۰)

۶. حادثه معراج از جمله معجزات حسی است که از لحاظ نوع، شبیه معجزات حضرت موسی عليه السلام است. (۶۱)

۷. این آیه از نوع بدیع استطرادی است؛ به این بیان که مقصود اصلی کلام یادآوری بنی اسرائیل نسبت به سوء تصرفات و سوء اعمالشان در طول حیات دینی و سیاسی خویش بود، با آنکه آنان در اشرف بقاع و امکنه کره زمین می‌زیستند و بالاترین عامل و ابزار هدایت در دست‌رسان بود. در عین حال، بر اثر سوء سلیقه، به سرانجام بدی گرفتار شدند و بدین‌روی، ابتدا سیر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی را مطرح نمود و بدین‌وسیله، مناسب دید که هتک حرمت مقدس‌ترین بقاع عالم را توسط فرزندان خودش، که با واسطه آن به شرف بزرگی رسیده بودند، بیان کند، تا شاید آنان بیدار شده، از شرارت دست بردارند. و این زیباترین نوع ورود و خروج به مطلب و لطیف‌ترین استهلال و شگفت‌انگیزترین بدایع کلامی است. (۶۲)

۳. شبهه عدم تناسب در آیه ۱۸۹ بقره

آیه ۱۸۹ بقره: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ لَيْسَ الْجِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْمَبُوتَ مِنْ ظُهُورِهِمْ». (۶۳) درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند، بگو: آنها، بیان اوقات برای مردم و حج است، و کار نیک آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید...

در شأن نزول این آیه گفته‌اند: معاذبن جبل خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و گفت: یهود مکرر از ما سؤال می‌کنند که این هلال ماه چیست و چرا ماه به تدریج، به صورت بدر کامل درمی‌آید، باز به حالت اول برمی‌گردد؟

را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم. حال درباره این آیه شریفه این سؤال مطرح شده است که چه رابطه‌ای بین جریان اسراء از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و بین دادن تورات به حضرت موسی عليه السلام و حالات بنی اسرائیل وجود دارد؟

پاسخ شبهه: در جواب به این سؤال، از سوی مفسران پاسخ‌هایی داده شده است که برخی از آنها ذکر می‌شود:

۱. با قرار گرفتن این آیه (پس از آیه مربوط به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله) «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» گویی معنای آیات چنین می‌شود: منزّه است خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را شبانه سیر داد و نشانه‌های خود را به وی ارائه نمود، همان‌گونه که به موسی عليه السلام نیز آیات و نشانه‌های خود را ارائه کرد.

۲. پیامبری تو چیز تازه‌ای نیست. ما برای تو کتاب آسمانی و دلایل محکم فرستاده‌ایم؛ همان‌گونه که تورات را به موسی عليه السلام نازل کردیم. چرا اینان موسی را قبول دارند و تو را انکار می‌کنند، در حالی که میان تو و او فرقی نیست؟

۳. اینان همان‌گونه که مسافرت آسمانی و معراج تو را منکر می‌شوند، موسی عليه السلام را انکار می‌کردند. (۵۹)

۴. این آیه (و آیات بعدی تا آیه ۸) برای آماده ساختن ذهن مخاطبان [برای ذکر دوباره قرآن] در آیه ۹: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» [است و وجه مشترک میان دو مطلب این است که موسی عليه السلام با رفتن به کوه طور، که به منزله معراج لوست، تورات را دریافت نمود.

۵. در ذکر داستان حضرت موسی عليه السلام و تورات در میان بحث از پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن، مطلبی نهفته است و آن اینکه بین این دو کتاب و دریافت‌کنندگان آن تفاوت

نداشت. همین که عرب جاهلی درباره اهل سؤال نمود، خداوند این فرصت را مناسب دید و به یک موضوع مهم تری اشاره نمود یا اشاره است به اینکه شایسته بود که عرب جاهلی از این موضوع مهم سؤال نماید تا آن عادت زشت را ترک کند. (۶۶)

مرحوم طبرسی وجه اتصال را این گونه بیان می کند: چون در آیات قبلی بیان شد که هلال برای اندازه گیری وقتها و حج است، به دنبال آن، این قسمت از حکم احرام را بیان کرد که این عادت مردم پس از احرام و داخل نشدن از در خانه، نمی تواند ملاک نیکی و خوبی باشد. (۶۷)

بعضی گفته اند: مناسبت این آیات با مطالب قبلی این است که همان گونه که اختلاف شکل ماه، معیار و میزان شناسایی وقت و زمان و سبب اندازه گیری است، همچنین هر چیزی باید معیاری داشته باشد و روی آن تنظیم گردد و داخل شدن به خانه از سوراخ های پشت خانه روی میزان منطقی و صحیح نیست و باید هر چیزی بر محور فرمان الهی استوار گردد؛ چراکه خضوع در برابر اوامر و نواهی الهی بهتر است از دنباله روی کورکورانه از محیط و عمل به چیزهایی که خدا نخواست است. (۶۸)

اما ممکن است آیه معنای وسیع تری هم داشته باشد، و آن اینکه برای اقدام در هر کاری، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، باید از طریق صحیح آن وارد شد، نه از طریق انحرافی و وارونه؛ چنان که جابر همین معنا را از قول امام باقر علیه السلام نقل کرده است. در تفاسیر اهل بیت علیهم السلام هم آمده است که ما اهل بیت علیهم السلام ابواب خداوند و طریق وصول به او و داعیان به سوی بهشت خداوند هستیم، و پیامبر هم فرمودند: «أنا مدينة العلم و علی بابها و لا تؤتی المدینة إلا من بابها». (۶۹)

خداوند در پاسخ این سؤال، به پیغمبر دستور داد که آثار و فواید هلال را برای آنها بیان کند. هلالها تقویم طبیعی هستند که بشر می تواند در هر نقطه از جهان که باشد، آغاز و وسط و آخر ماه را بشناسد تا به وسیله آن، به عباداتی مانند نماز، روزه و مناسک حج و نیز امور مادی زندگی، مانند قراردادها و امور تجاری بپردازد.

در ادامه آیه، خداوند به یکی از عادات و رسوم خرافی جاهلیت درباره حج اشاره نموده، آنها را از این عمل نهی کرده است. آنها هنگامی که لباس احرام به تن داشتند، از راه معمولی و در خانه، بدان وارد نمی شدند و معتقد بودند: محرم نباید از در خانه وارد شود. به همین دلیل، در پشت خانه سوراخی می زدند و در حالت احرام، از آن راه وارد و خارج می شدند. (۶۴)

در اینجا، این سؤال مطرح می شود که چه تناسبی بین اهل و وارد شدن به خانه ها از پشت آن است؟ پاسخ شبیهه: برخی از دانشمندان آن را از باب استطراد به شمار آورده اند. امیر الملوک در کتاب الطراز خود می نویسد:

استقال از یک مطلب به مطلب دیگر، به ادنا مناسبت و کمترین تناسبی در نظر متکلم ملحوظ است. (۶۵)

زمخشری در این باره می نویسد: همین که پروردگار متعال آیات مربوط به مراسم بزرگ حج را بیان نمود، با لطافت خاصی به بیان یک مسئله بزرگ اجتماعی مستقل شد که برای جامعه یک امر حیاتی به حساب می آمد، و آن همان عادت پست عرب جاهلی بود که وقتی برای حج، محرم می شد، هرگز از در خانه داخل نمی شد، بلکه از پشت دیوار یا از بام خانه، سوراخی ایجاد می کرد و از آنجا وارد خانه می شد و از همان جا هم خارج می گردید. این عادت یک بدعت زشت و پستی بود که هیچ دلیل موجهی

آثار و فواید تناسب آیات

برخی از آثار و فایده‌های این بحث بدین قرار است:

الف. کمک به فهم قرآن و کشایش دریچه‌های جدید

در تفسیر

شاید بارها سوره‌هایی از قرآن را خوانده باشیم، اما به روح و محتوای آن پی نبرده و این نکته را دریافته باشیم که این سوره نصی یکپارچه دارد و اهداف و موضوعات ویژه‌ای را دنبال می‌کند و آغاز و انجام آن با مضمون سوره و نیز با یکدیگر تناسب دارد.

این بحث به مخاطب بینش و روشنی می‌بخشد و او را در شناخت نکته‌ها و ظرافت‌های تفسیری و دریافت گونه‌ای از اسرار قرآن، کارآمد می‌سازد، به گونه‌ای که در صورت دارا بودن مقدمات و شرایط فهم قرآن، با اندکی تدبیر در هنگام خواندن قرآن، تصویری زیبا و هماهنگ از آیات، به کف خواهد آورد.

تفسیر سوره و مجموعه‌نگری به آیات آن، دریچه‌ای دیگر از تفسیر قرآن است که در پرتو آن، آثار ارزشمندی در زمینه تفسیر و علوم قرآن پدید آمده است. این نوع تفسیر و نیز تفسیر موضوعی، پیوندی استوار با بحث تناسب دارد.^(۷۰) بسیاری از لطایف و نکات تفسیری در نگرش به قرآن از زاویه هماهنگی و همبستگی، فراهم آمده است. فخر رازی در این باره به صراحت گفته که بیشترین لطایف قرآن در ترتیب و روابط آیات است.^(۷۱)

نمونه این تفاسیر را در سیره تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام مشاهده می‌کنیم. برای نمونه، امام موسی کاظم علیه‌السلام برای فهم جمله «سجداً» در آیه «وَرَفَعَ أَبُوْنِهٖ عَلَی الْعَرْشِ وَ خَرُّوْا لَهٗ سُجْدًا» (یوسف: ۱۰۰) در جواب این سؤال که این سجده از چه نوع سجده‌ای است، فرمودند: سجده

یعقوب و فرزنداناش در برابر یوسف سجده شکر و اطاعت از خداوند بود، نه خضوع و کرنش در برابر انسان. حضرت به آیه بعدی، که ظاهراً ناپیوسته است، استشهد می‌کند و می‌فرماید: اینکه یوسف علیه‌السلام فرموده است: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِمَّا تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ» شاهد این مطلب است که حضرت یوسف علیه‌السلام نیز از خداوند سپاسگزاری کرد که تو بودی که ما را از پراکندگی درآوردی و از تأویل رؤیا آگاهم ساختی.^(۷۲)

حضرت در این روایت، از پیوستگی و تناسب آیات استفاده کرده، بدین سان، هم معنای آیه را تبیین نمودند و هم تناسب و پیوستگی را نشان دادند.

ب. پاسخ‌گویی به شبهات مستشرقان و ملحدان و

دفاع از حریم قرآن کریم

برخی از دانشمندان و بیشتر مستشرقان قرآن را کتابی پراکنده و گسسته از هم معرفی کرده، گفته‌اند: قرآن در سوره‌های خود، وحدت و جامعیت و ربط منطقی میان موضوعات و به تعبیر دیگر، تناسب ندارد.

ریچارد بل، یکی از مستشرقان قرآن‌پژوه، در مقدمه ترجمه‌ای انگلیسی از قرآن، نوشته است:

یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن این است که جسته و گریخته است و به ندرت می‌توان در طول بخش عمده‌ای از یک سوره، اتساق و تناسب معنایی مشاهده کرد.^(۷۳)

در دائرةالمعارف بریتانیکا، ذیل عنوان «قرآن» آمده است: سوره‌های بلند قرآن مشتمل بر موضوعات مختلف و پراکنده است. پراکندگی مطالب این احساس را به خواننده می‌دهد که آیات سوره‌ها بی‌هیچ برنامه و نقشه حساب شده‌ای در یک جا جمع شده‌اند.^(۷۴)

د. یاری رساندن به دیگر قضایای علوم قرآنی
(اثبات نظریات علوم قرآنی)

دانش تناسب می‌تواند ما را در جهت درک بهتر مسائل دیگر قرآنی - مانند جمع قرآن و تدوین آن - یاری رساند. در بحث «تحریف قرآن»، بسیاری از روایات ساختگی، که آگاهانه یا ناآگاهانه، سبب مشوه ساختن چهره قرآن می‌شود و دستبرد و تغییر را در کتاب عزیز رومی دارد، در پرتوافشانی نظم قرآن رنگ خواهد باخت و پوچی آن آشکار خواهد شد؛ مانند آنچه به امیرمؤمنان علیه السلام نسبت داده شده است که آن حضرت در پاسخ کسی که از تناسب میان دو بخش آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَمَامِي فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا...» (نساء: ۳) پرسید، حضرت فرمود: پیش از یک سوم قرآن در این میان افتاده است - (۷۷) که پیش‌تر به این شبهه جواب داده شد.

جمع‌بندی

از مجموع آنچه گفته شد، روشن گردید که ادله عقلی و شواهد قرآنی دلالت دارند که آیات هر سوره قرآن با هم هماهنگ بوده و از تناسب محتوایی لازم برخوردار می‌باشد. و با وجود عدم نزول یکباره آیات برخی سوره، آیات سوره‌ها صرفاً مجموعه‌ای پراکنده و بدون جامعی واحد نیست، بلکه یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است و هدفی را دنبال می‌کند که جامع میان آیات هر سوره است.

علاوه بر آنکه بسیاری از نکات و لطایف تفسیری، اعجاز قرآن در سبک، جمع قرآن و عدم تحریف قرآن در مجموعه‌نگری به آیات فراهم آمده و برخی از شبهات مستشرقان و ملحدان در سایه اثبات پیوستگی آیات، میسر است.

پاسخ‌گویی به این شبهات، در سایه اثبات پیوستگی و تناسب آیات قرآن میسر است. از این‌رو، برخی از مفسران در تکاپوی رفع شبهه برآمده و گفته‌اند: ما طرحی در پیوستگی قرآن نشان خواهیم داد که نه تنها اثباتگر تلازم میان آیات و سوره‌های قرآن است، بلکه نشان‌دهنده نظامی فوق تصور در میان موضوعات آیات و سوره‌هاست و از این نظر، نمی‌توان این کتاب را با حفظ ویژگی‌های یک کتاب هدایتی، با دیگر کتاب‌های دینی برابر دانست. (۷۵)

ج. اثبات معجزه بودن قرآن

برخی از مفسران و عالمان فن بلاغت مهم‌ترین جلوه اعجاز قرآن را در نظم و تألیف و چگونگی ترکیب و چینش واژگان و سبک آن دانسته‌اند که قابل تقلید و اقتباس نیست.

فخر رازی در ذیل آیات پایانی سوره بقره می‌نویسد: هر کس در لطایف نظم و بدایع ترتیب این سوره تأمل کند خواهد دانست که قرآن همان‌گونه که از نظر فصاحت الفاظ و شرافت معانی معجزه است، از نظر نظم و ترتیب آیات نیز معجزه است. (۷۶)

اگر نشان دادیم که میان آیات پیوستگی و تناسب وجود دارد، اثبات کرده‌ایم که این کتاب نمی‌تواند کار بشر باشد؛ زیرا کتابی که در مدت بیست و هفت سال و در مناسبت‌های گوناگون نازل شده و از چنین تناسبی برخوردار است، نمی‌تواند کار بشر باشد. از این‌رو، دست یافتن به تناسب آیات و پی بردن به نظم و ترتیب شگرفی که خداوند در قرآن بنا نهاده، می‌تواند دلیل بر اعجاز قرآن، که یکی از اساسی‌ترین مباحث علوم قرآنی است، باشد.

..... پی نوشت ها

- ۱- محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶)، ذیل «تناسب».
- ۲- احمدین محمدین علی مقری فیومی، المصباح المنیر (قم، دارالهجره، ۱۴۱۴)، ط. الثانية، ج ۲-۱، ص ۶۰۲.
- ۳- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح (بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷)، ط. الرابعة، ج ۱، ص ۲۲۴ / سعید خوری شرتونی، الاقرب العوارد (قم، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳)، ذیل «تناسب».
- ۴- ر.ک. ابن ابی الاصبیح مصری، بديع القرآن (مصر، دار نهضة، ۱۳۷۷ق)، ص ۱۳۵ / همو، بديع القرآن، ترجمه علی میرلوحی (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)، ص ۲۳۵-۲۳۱، به نقل از: زین الدین بن احمد رازی، محظوظ، روضة الفصاحة، ص ۱۵؛ ابن حجة الحموی، خزانه ابن حجة، ص ۱۶۶؛ شهاب الدین ابی الشناء حلبی، حسن توشل، ص ۷۹؛ نویری، نهاية الارب، ج ۷، ص ۱۵۸.
- ۵- بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن (بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۸)، ج ۱، ص ۱۳۱ / جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (بی جا، منشورات الرضی، ۱۳۶۳)، ط. الثانية، ج ۴ و ۳، ص ۳۷۱ / همو، تناسق الدرر فی تناسب السور (سوریه، دارالکتب العربی، بی تا)، ص ۱۵.
- ۶- برهان الدین بقاعی، نظم الدرر فی تناسب الایات و السور (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۵.
- ۷- مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی (دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۸)، ص ۵۸.
- ۸- ر.ک. برهان الدین بقاعی، پیشین / جلال الدین سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب الایات و السور (سوریه، دارالکتب العربی، بی تا) / سید قطب، فی ظلال القرآن (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۸ق) / عبدالکریم بی آزار شیرازی و محمدباقر حجتی، تفسیر کاشف (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶) / سعید حوی، اساس فی التفسیر (قاهره، دارالسلام، ۱۴۱۲) / محمد محمود حجازی، الوحده الموضوعیه (قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۰) / عبدالله شحاته، اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن (قاهره، الهیئة المصریه العامه الكتاب، ۱۹۹۸).
- ۹- ر.ک. محمدین علی بن شوکانی، فتح القدير (بیروت، دارالمعرفه، بی تا)، ج ۱، ص ۷۲ / فرید وجدی، المصحف المفسر، (مصر، مطبعة محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۷۷ق)، ص ۶۹ / ناصر مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵)، ص ۳۰۸ / محمدحسین بهشتی، روش برداشت از قرآن، (تهران، هادی، ۱۳۶۰)، ص ۱۸.
- ۱۰- ر.ک. بهاء الدین خرّمشاهی، ذهن و زبان حافظ (تهران، نشر نو، ۱۳۶۲)، مقاله «اسلوب هنری حافظ و قرآن»، ص ۱۲، به نقل از: Richard bell, *The Quran: Translated, with Rearrangements of*

the Surahs (Two vols. Edinburgh, 1937-1939).

- ۱۱- ر.ک. ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن (قم، مؤسسه احیاء آثار الامام خوئی، بی تا)، ص ۲۵۱ / محمدهادی معرفت، صیانة القرآن من التحریف (قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۰)، ص ۵۸۳۵.
- ۱۲- برای مثال، آیاتی که تعبیر «کتاب» در آنها آمده است (نحل: ۸۹ / نساء: ۱۱۳) یا آیاتی که لفظ «سوره» در آنها به کار رفته است. (توبه: ۸۶ / نور: ۱) ر.ک. محمد فاضل لنکرانی، مقدمات بنیادین علم تفسیر، ترجمه محمدرسول دریایی (تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۸۱)، ص ۳۸۲ / ابوالفضل میرمحمدی، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه (بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۰)، ص ۸۶-۸۴.
- ۱۳- ر.ک. عبدالعلی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین (قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۶ / محمدهادی معرفت، التفسیر الأثری الجامع (قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۵)، ج ۱، ص ۳۲۳ / محمدباقر مجلسی، بحارالانوار (طهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۶)، ج ۹۲، ص ۲۳۶ و ۳۰۹-۳۰۸ / فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن (بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶)، ج ۲، ص ۶۷۵ / محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶)، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۷۶. به نقل از: احمدین یعقوب، تاریخ یعقوبی (بیروت، دارصار، بی تا)، ج ۲، ص ۳۶. برای ملاحظه جزئیات بیشتر، نک. جعفر مرتضی عاملی، حقائق هاشمه حول القرآن الکریم (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰)، ص ۱۴۲-۱۴۳.
- ۱۴- منظور از این اصل، همان اصل لفظی عقلی است که در اصول فقه بحث شده است. اما اصل لفظی است؛ زیرا در باب الفاظ جریان داده، و اصل عقلی است؛ زیرا مدرک آن بنای عقلاست، به این بیان که عقلا در کارهای خود، اصل را بر تناسب و نظم الفاظ از طرف متکلم می دانند، به ویژه در جایی که کلام از سوی مولای حکیمی باشد. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. علی مشکینی، اصطلاحات الاصول (قم، الهادی، ۱۴۰۹)، ص ۵۶. در اینجا، دو ادعا وجود دارد: یکی کیروی و دیگر صفروی که به لحاظ هر یک از آن دو، اصلی وجود دارد: ۱. اصل کیروی؛ ۲. اصل صفروی. بیان اصل کیروی: اصل در هر کلام مستقل واحد، وجود ارتباط بین اجزای آن است و حاصل تقریب اصل ثبوتی چنین است. طریقه عقلا در سخن این است که هرگاه کلامی را برای بیان غرضی آغاز کردند، پیش از استیفای غرض، دست از کلام نمی کشند و کلام دیگری آغاز نمی کنند. بنابراین، هر جا کلامی متصل وجود داشته باشد، نشانه عدم استیفای غرض است تا پایان کلام و نتیجه آن وجود غرض واحد از هر کلام متصل است. به دلیل آنکه کلام الهی در هر سوره عرفاً کلام متصل واحدی است، بنابراین، اصل عقلایی اقتضا دارد که غرض واحدی معانی این کلام واحد را به هم ببیوندد. بنابراین، اصل در آیات یک سوره، وجود رابطه معنوی واحد میان آنهاست.

۳۱. محمد هادی معرفت، علوم قرآنی (قم، مؤسسه التمهید، ۱۳۷۸)، ص ۴۰۷.

۳۲. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱، ص ۱۲.

۳۳. عبدالله شحاته، پیشین، ص ۵۴.

۳۴. رک. ابن ابی اصیبع، بدیع القرآن (مصر، دارنهضة، ۱۳۷۷ق)، ص ۳۴۲ / ابن معصوم، انوار الربیع (بی. جا. بی. نا، ۱۹۹۶)، ج ۶، ص ۳۲۴ / جلال الدین سیوطی، معترك الاقران (بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸)، ج ۱، ص ۷۵ / محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۳۰۱.

۳۵. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۹۳، ص ۳.

۳۶. محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۱۰، ۲۰۶ / همد، تناسب آیات، ترجمه عزت الله مولایی (قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳)، ص ۳۱. برای جزئیات بیشتر، حک. جلال الدین سیوطی، معترك الاقران، ج ۱، ص ۱۹۰، ۷۵ / همو، الاثقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۱۹، ۳۱۶ / محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۳۰۴، ۲۹۰.

۳۷. محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۲۲۹ / سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۰ / عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۳۳.

۳۸. رک. فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۰ / عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۲۷۳ (با تصرف).

۳۹. رک. محمد بن علی بن شوکانی، پیشین، ج ۱، ص ۸۵.

۴۰. جلال الدین سیوطی، الاثقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۷۰.

۴۱. بهاء الدین خز مشاهی، پیشین، ص ۱۵.

۴۲. جلال الدین سیوطی، الاثقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۰۷.

۴۳. محمد بن علی بن شوکانی، پیشین، ج ۱، ص ۷۲.

۴۴. فرید وجدی، پیشین، ص ۶۹.

۴۵. ناصر مکارم شیرازی، پیشین، ص ۳۰۷.

۴۶. محمد باقر محقق، نمونه‌ای از بیانات در شأن نزول آیات (تهران، اسلامی، ۱۳۵۹)، ص ۵۱، با تلخیص.

۴۷. سید ابوالقاسم خونی، التبیان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم زاده عربی (تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲)، ص ۱۸۰، ۱۷۹ / همو، البیان، ۹۳، ۹۲.

۴۸. همان.

۴۹. برای اطلاع از چگونگی این آثار، نک. شیخ محمود سلطوت، التی القرآن الکریم (طهران، منظمة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۵) / عبدالله شحاته، اهداف و مقاصد سررہ‌های قرآن، ترجمه محمد باقر حجتی (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲) / عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و محمد باقر حجتی، تفسیر کاشف / سعید حوی، الأساس فی التفسیر / محمود حجازی، الوحدة الموضوعیة (قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۰).

۵۰. عباس همامی، جهره زیبای قرآن (اصفهان، بصائر، ۱۳۷۵).

بیان اصل صفروی: اصل صفروی: اصل در هر سوره از کلام الهی، این است که یک کلام متصل واحد است. تقریب آن چنین است: در عرف عقلا نشانه‌هایی برای آغاز کلام وجود دارد و یکی از نشانه‌های متعارف برای آغاز کلام در بین عقلا، آغاز کردن به نام بزرگان آنهاست. در عرف اسلامی نام خدای متعال، که بزرگ‌ترین بزرگ‌ها در فرهنگ مسلمانان است، نشانه آغاز کلام است. و چون هر سوره با بسمله آغاز می‌شود و نشانه‌ای است عرفی بر آغاز کلام. با آغاز سوره و در آنجا که بسمله وجود ندارد، نشانه‌ای از آغاز نیست که نشان‌دهنده عدم پایان کلام سابق و عدم آغاز کلام جدید است. (با استفاده از بیانات استاد محسن اراکی در درس تفسیر قرآن).

۱۵. محمد تقی مصباح، قرآن‌شناسی (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶)، ص ۱۵۲-۱۶۳ / عبدالله جوادی آملی، قرآن در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم (قم، اسراء، ۱۳۷۸)، ج دوم، ج ۱، ص ۱۴۳.

۱۶. ﴿وَاللَّهُ يَكْتُبُ سُورَةَ الْكِتَابِ﴾ (نساء: ۱۷۶)

۱۷. ﴿لَا يَنْزِلُ عَنْهُ كَلِمَةٌ إِلَّا فِي الْمَقَالِ ذَرَّةً فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ﴾ (سبأ: ۳)

۱۸. ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ (مریم: ۶۴)

۱۹. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، تفسیر قرآن کریم (قم، اسراء، ۱۳۷۸)، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۶۷ / همو، قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲۰. اما در آیه ۷ آل عمران، «متشابه» صفت بخشی از آیات قرآن است، در برابر بخشی دیگر که «محکمات» نامیده می‌شود: ﴿مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرَى مُّشَابِهَاتٌ...﴾

۲۱. محمد تقی مصباح، پیشین، ص ۶۶.

۲۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۶۷.

۲۳. زاغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن (قم، اسماعیلیان، بی. نا)، ماده «عز».

۲۴. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن (تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۲)، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۲۵. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أُنزِلَ فِيكُمْ قَالُوا أَشَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ (نحل: ۲۴)

۲۶. ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ﴾ (حاقه: ۴۰، ۴۱)

۲۷. ﴿وَإِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُحْيِيكُمَا لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا يَحْزَنُ مُمِيْنٌ﴾ (احقاف: ۷)

۲۸. ﴿وَيَقُولُونَ إِنَّمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْنَا اشَاعِرِ مَجْثُونٍ﴾ (صافات: ۳۶)

۲۹. محمد خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن (تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ص ۸۸، ۸۴.

۳۰. مصطفی مسلم، پیشین، ص ۲۹ / محمد محمود حجازی، پیشین، ص ۲۴، ۲۳، ۵۲، ۵۳، ۹۱، ۱۱۲، ۱۲۹.

- ص ۴۰۳۹.
۵۱. جلال‌الدین سیوطی، الإبتقان فی علوم القرآن، ج ۴ و ۳، ص ۳۷۳.
۵۲. و اموال یتیمان را (هنگامی که به حدّ رشد رسیدند) به آنها بدهید، و اموال بد (خود) را با اموال خوب (آنها) عوض نکنید، و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید؛ زیرا این گناه بزرگی است. و اگر می‌ترسید که (هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می‌ترسید عدالت را (در باره همسران متعدّد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آنها بید استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم، بهتر جلوگیری می‌کند.
۵۳. مولی محسن فیض کاشانی، تفسیر صائنی (بیروت، اعلمی، ۱۹۸۲)، ج ۱، ص ۲۴ / عبدالعلی عروسی حویزی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۳.
۵۴. روایتی که از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که میان اول و آخر این آیه مقدار زیادی از قرآن بوده و حذف شده است، به هیچ وجه، از نظر سند اعتبار ندارد و این‌گونه احادیث، که بر تحریف یا اسقاط قسمت‌هایی از قرآن دلالت دارد، یا از مجموعه‌های دشمنان اسلام و منافقان برای بی‌اعتبار جلوه دادن قرآن است و یا بعضی از افراد چون نتوانسته‌اند ارتباط آغاز و انجام آیه را درک کنند، چنین پنداشته‌اند که در اینجا حذف یا اسقاطی در کار بوده است، در حالی که جمله‌های آیه کاملاً با هم ارتباط دارند. (ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه - تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۳).
۵۵. فضل‌بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۴ و ۳، ص ۱۰-۱۱.
۵۶. سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۴، ص ۱۶۶.
۵۷. ر.ک. عبدالله جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف (قم، اسراء، ۱۳۸۳)، ص ۱۸۱-۱۷۷ / فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۴ و ۳، ص ۱۱ / محمدهادی معرفت، تناسب آیات، ص ۲۷.
۵۸. سبک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجدالاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم - برد... ما به موسی کتاب آسمانی دادیم...
۵۹. فضل‌بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۴ و ۳، ص ۶۱۲.
۶۰. محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن (بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا)، ج ۱۵، ص ۱۴ / عباس همای، پیشین، ص ۱۱۸-۱۱۶.
۶۱. محمد محمود حجازی، پیشین، ص ۲۱.
۶۲. جلال‌الدین سیوطی، پیشین، ص ۳۷۵ / محمدهادی معرفت، تناسب آیات، ص ۲۳.
۶۳. دربارهٔ هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند، بگو: آنها بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای «نظام زندگی» مردم و (تعیین وقت) حج است. و (آنچنان‌که در جاهلیت مرسوم بود که هنگام حج، که چون
- جامهٔ احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند. و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید). کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید. تا رستگار گردید.
۶۴. فضل‌بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۲ و ۱، ص ۵۰۸.
۶۵. محمدهادی معرفت، تناسب آیات، ص ۲۱، به نقل از: امیر علوی، الطراز، ج ۳، ص ۱۴.
۶۶. محمود زمخشری، الکشاف (تهران، آفتاب، بی‌تا)، ج ۱، ص ۲۳۴ / محمدهادی معرفت، تناسب آیات، ص ۲۲.
۶۷. فضل‌بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۲ و ۱، ص ۵۰۹.
۶۸. همان.
۶۹. همان.
۷۰. مصطفی مسلم، پیشین، ص ۶۵۵.
۷۱. فخر رازی، التفسیر الکبیر (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱)، ج ۴، ص ۱۴۰.
۷۲. عبدالعلی عروسی حویزی، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۸، ح ۲۰۹.
۷۳. بهاء‌الدین خزمشاهی، پیشین، ص ۱۲، به نقل از: Richard bell. *The Quran: Translated, with Rearrangement of the Surahs* (two vols. Edinburgh, 1937-1939).
۷۴. فضل‌حسن عباس، قضایا قرآنیة فی المرسومة الیریطانیا (بی‌جا، دارالفتح، ۱۴۲۱)، ص ۷۴.
۷۵. ر.ک. سمید حوی، الأساس فی التفسیر (قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۱)، ط. الثالثه، ج ۱، ص ۲۷.
۷۶. فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱)، ج ۳، ص ۱۰۶؛ ج ۲، ص ۱۳.
۷۷. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۴۷ / محمدهادی معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ص ۱۹۸.